مجله اقتصادی
شماره‌های ۹ و ۱۰، آذر و دی ۱۳۹۶، صفحات ۱۳۸-۱۱۱

واکاوی مشارکت زنان در ایران

زهره مدرسی عالم
کارشناسی ارشد علوم اقتصادی
zmodaresi@yahoo.com

آزاده داودی
دانشجوی دکتری علوم اقتصادی فردوسی مشهد
Az.davodi@gmail.com

سهیلا اله‌وردی زاده
کارشناسی ارشد علوم اقتصادی
Allahverdy@yahoo.com

بررسی شاخص توسعه جنسیتی و افزایش مشارکت زنان در ایران نشان می‌دهد نرخ مشارکت اقتصادی زنان در طی سال‌های اخیر افزایش یافته است، لیکن تفاوت فاحشی بین نرخ مشارکت زنان و مردان وجود دارد. در توانمندی سیاسی رشد تعداد زنان در سمت‌های قانون‌گذاری و مقامات عالی‌رتبه و مدیران و متخصصان بیش از مردان بوده، اما در میزان سهم زنان تغییرات چندانی صورت نگرفته است. در مبحث دستاوردهای آموزش کیفیت و کمیت آموزش زنان ارتقا داشته و در سلامت اگرچه وضعیت طول عمر زنان افزایش یافته، لیکن با کشورهای پیشرفته فاصله زیادی وجود دارد. از منظر شاخص‌های توسعه جنسیتی در گزارش‌های بین‌المللی، ایران در گزارش شکاف جنسیتی جزو کشورهای پایین دنیا است و در زمینه قدرت سیاسی زنان نزدیک به نابرابری مطلق قرار دارند و در خصوص مشارکت اقتصادی از متوسط معیار جهانی پایین‌تر است. بر اساس شاخص‌های جنسیتی در گزارش توسعه انسانی ایران نزدیک کشورهای توسعه انسانی متوسط است و بیشترین تفاوت در درآمد سرانه ناخالص ملی برای زنان وجود دارد. این امر در حالی است که در شاخص کل توسعه انسانی، ایران در زمره کشورها با توسعه انسانی بالا قرار دارد. همچنین در بررسی شاخص نابرابری‌های جنسیتی، در شاخص‌های موجود تعداد نمایندگان زن در مجلس و میزان مشارکت زنان در بازار کار با کشورهای توسعه انسانی بیشترین تفاوت را دارد و باعث فاصله گرفتن ایران از کشورهای در زمره کشورها با توسعه انسانی بالا است. بنابراین می‌توان بیان داشت، اگرچه وضعیت توسعه جنسیتی در ایران در طی سال‌های گذشته روند رو به بهبودی داشته است، اما با وضعیت مطلوب فاصله بسیار وجود دارد. از این رو نیاز است به مقوله توازن جنسیتی و افزایش مشارکت زنان در سیاست‌گذاری کشور توجه شود.

واژگان کلیدی: مشارکت اقتصادی زنان، مشارکت سیاسی زنان، توانمندسازی زنان، توازن جنسیتی.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

۱. مقدمه

دستیابی به توسعه و بهبود کیفیت زندگی از آرمان‌هایی است که همواره در ذهن بشر بوده است. یکی از مقولات بسیار مهم در امر توسعه که مدت‌ها مورد غفلت نظریه‌پردازان و سیاست‌گذاران قرار گرفته است، موضوع زنان و منظور کردن ملاحظات جنسیتی در فرایند توسعه است (مؤمنی و همکاران، ۱۳۹۳).

نتایج مطالعات اخیر نشان می‌دهد که در بازار کار پررقابت امروز سازمان‌هایی به موفقیت دست می‌یابند که بدون توجه به جنس کارکنان خود از استعدادها و توانایی‌های آنان بهترین بهره را ببرند (آمانسیو[1]،۲۰۰۵). در کشورهای توسعه‌نیافته، زنان امید اول برای ارتقای خانواده‌ها و رشد و توسعه جامعه خود هستند. موفقیت زنان در این جوامع موجب سود اقتصادی کشور می‌شود. با وجود مزایایی که مشارکت زنان برای دستیابی به توسعه پایدار دارد، چنانچه نابرابری جنسی به موقعیت حاشیه‌ای زنان در بازار کار منتهی شود و از استعدادها و توانمندی‌های این قشر به‌خوبی استفاده نگردد، این سود اقتصادی حاصل نمی‌گردد. از این رو در نظر گرفتن نیاز زنان به تحصیل و اشتغال از یک سو و اهمیت توجه به نیازها و انگیزه‌های آنان برای حفظ و ارتقای سلامت جسمی و روانی آنان از سوی دیگر که سهم عمده ای در تحقق رفاه خانواده، فرزندپروری، بازدهی شغلی و پیشرفت جامعه دارد از اهمیت بالایی برخوردار است (رفعت جاه و همکاران، ۱۳۹۲).

برای رسیدن به تعادل، برابری و رفع تبعیضات و درنتیجه توسعه بهتر و کامل تر جامعه، نیاز به آن است که زنان بتوانند در فرایند تصمیم‌گیری در سطوح مختلف جامعه شرکت کنند. خوشبختانه در بسیاری از کشورها این تلاش‌ها، موفقیت‌های چشمگیری را در پی داشته است. از آن جمله می‌توان به کشورهایی همچون نروژ، دانمارک و فنلاند اشاره کرد که بیش از ۴۰ درصد مناصب تصمیم‌گیری در اختیار زنان است. متأسفانه در بسیاری از کشورهای جهان سوم این مسئله چندان شایان توجه نیست و تنها تعداد محدودی از زنان در پست‌های مدیریتی و مهم تصمیم‌گیری کشور قرار دارند. باید در نظر داشت آموزش و سلامت زنان به نوعی سرمایه‌گذاری برای آینده است و دستاوردهای آن مواردی مانند کاهش مرگ‌ومیر کودکان، تغذیه بهتر و تحصیلات بیشتر فرزندان و

1. Amancio

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

... است که با افزایش سطوح سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی فرزندان همبسته است (کلینز[1]، ۱۹۷۵). بنابراین توجه به زنان و کاهش تفاوت‌های جنسیتی یکی از معدود سیاست‌هایی است که هم موفقیت اقتصادی را موجب می‌گردد و هم اهداف توسعه انسانی را محقق می‌نماید.

علی‌رغم اهمیت زنان در فرایند توسعه، نادیده گرفتن زنان در طول تاریخ در تمامی جوامع به اشکال و صور مختلف وجود داشته است و تقریباً در تمام جوامع شناخته‌شده نابرابری جنسیتی وجود داشته است. تبعیض جنسیتی در کنار تبعیض طبقاتی و نژادی یکی از پررنگ‌ترین موارد تبعیض در تاریخ بشر بوده و به معنی اعمال رفتار، پیش‌داوری‌ها و جهان‌بینی‌هایی است که زنان را فرودست و کم‌ارزش‌تر از مردان دانسته‌اند (میشل،[2] ۲۰۰۱). با توجه به اهمیت نقش زنان در رشد بلندمدت اقتصادی و اجتماعی و مغفول ماندن آن تا دهه‌های گذشته، افزایش نقش زنان در توسعه در دستور کار سازمان‌های بین‌المللی جهت ترسیم راهکارهای جهانی در نظر گرفته شده است. از جمله این موارد می‌توان به کنوانسیون رفع تبعیض از زنان و اقدامات سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد، یونیسف و ... اشاره کرد.

بنابراین در حال حاضر رفع نابرابری زنان در فرایند برنامه‌ریزی در نظر گرفته می‌شود و برای این منظور اتخاذ سیاست‌ها و اقداماتی که درنهایت زنان سهم بیشتری از رفاه و مطلوبیت و سهم کمتری از نابسامانی و محرومیت را داشته باشند مهم قلمداد می‌شود. در این خصوص در نظر گرفتن وضعیت شاخص‌هایی مانند آموزش، دسترسی به امکانات بهداشتی، حضور در بازار کار و سطوح تصمیم‌گیری و مدیریت مهم است که نیاز است قبل از برنامه‌ریزی جهت مسائل زنان و نیازهای آنان، به این شاخص‌ها توجه شود.

با توجه به مطالب بیان‌شده، در این گزارش پس از مروری بر مبانی نظری کاهش نابرابری جنسیتی، جایگاه فعالیت های اقتصادی زنان آورده شده است و میزان مشارکت زنان در ایران بر اساس معیارهای چهارگانه مشارکت اقتصادی، آموزش، سلامت و توانمندی سیاسی بررسی شده و در بخش پایانی موانع و چالش‌های اشتغال زنان مورد واکاوی قرار می‌گیرد و به منظور فراهم کردن شرایط مناسب و بهینه برای مشارکت زنان پیشنهادهایی ارائه شده است.

1. Collins
2. Michelle

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

۲. مبانی نظری کاهش نابرابری‌های جنسیتی و افزایش مشارکت زنان

نابرابری جنسیتی مؤلفه بارز حیات اجتماعی انسان‌ها در طی یک قرن گذشته بوده است. اجماع نظر گسترده در خصوص برتری مردان بر زنان در همه جوامع وجود دارد. در تعریف ابتدایی، نابرابری جنسیتی به معنی توزیع نابرابر ثروت، قدرت و مزایای جامعه میان زنان و مردان تبیین گردیده بود (اسکات، شوارتز[1]، ۲۰۰۰). نابرابری جنسیتی را می‌توان به مثابه وضعیتی تلقی کرد که درآن زنان عموماً تحت سلطه مردان قرار دارند و موقعیت زنان و مردان به دو حوزه خصوصی و عمومی تفکیک شده است. نوع متفاوت مشارکت دو جنس در حوزه خصوصی و عمومی تفکیک شده است. نوع متفاوت مشارکت دو جنس در حوزه عمومی و زندگی اجتماعی، این‌گونه تمایزات را گسترش داده است و به نقش اجتماعی مردان ارزش اجتماعی بیشتری عطا می‌کند (هام و گمیل، ۱۳۸۲). نابرابری جنسیتی در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی صورت‌های گوناگونی دارد؛ از جمله وابستگی اقتصادی زنان به مردان بر اساس مشارکت کمتر زنان در نیروی کار و دستمزدهای اندک برای آن‌ها، وابستگی سیاسی ناشی از سلطه مردان بر ساختارهای قدرت سیاسی، وابستگی به اقتدار بیشتر مردان و قدرت تصمیم‌گیری آن‌ها در خانواده و محل کار، وابستگی به قدرت مردان در تعیین و تعریف واقعیت اجتماعی، وابستگی به مردان در مراقبت زنان در برابر خشونت و ... نه‌تنها نفس نابرابری جنسیتی، بلکه پیامدهای آن در سطوح خرد، میانه و کلان ضرورت توجه به این موضوع را آشکار می‌سازد (همتی، مکتوبیان، ۱۳۹۲). تحقیقات نشان می‌دهد توزیع عادلانه‌تر موقعیت‌ها و منابع میان زنان و مردان باعث رشد اقتصادی و بهره‌وری بیشتر می‌شود و کشورهایی که در آموزش دختران سرمایه‌گذاری می‌کنند، نرخ رشد اقتصادی بالاتری دارند (صادقی و کلهر، ۱۳۸۶). همچنین شواهد حاکی از آن است که در کشورهایی که موقعیت جنسیتی تساوی‌طلبانه است، سطح باروری و مرگ‌ومیر کودکان پایین است و از همه مهم‌تر، سطح بالای برابری جنسیتی با سطح بالای رشد اقتصادی ارتباط دارد (کلاسن ۱۹۹۹، دلار و گاتی ۱۹۹۹)[2]. علاوه بر این موارد برای تحقق اهداف توسعه هزاره و توسعه پایدار همه‌گیر و عادلانه، توجه منطقی به جایگاه زنان در جامعه و تلاش برای کاهش نابرابری و بی‌عدالتی‌های جنسیتی است. بنابراین

1. Scott & Schwartz
2. Klasen, Dollar & Gatti

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

اهمیت روزافزون منابع انسانی و نقش زنان در توسعه پایدار در سال‌های اخیر مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است.

در ابتدا نابرابری اقتصادی میان زنان و مردان منشأ کلی نابرابری جنسیتی بیان می‌گردید و از آنجایی که مردان دسترسی بیشتری به منابع قدرت داشتند از آن در جهت اعمال فشار و تداوم یک نظام قشربندی مبتنی بر جنسیت به کار گرفته بودند. از این رو در تبیین راهکارهای اقتصادی، در نظر گرفتن سهم زنان در امرار معاش خانواده و تبیین مالکیت زنان بر وسایل تولید و توزیع مازاد اقتصادی و کنترل عوامل اقتصادی توجه شده بود (ترنر[1] ۱۹۸۶ و ۱۹۹۸، بلومبرگ[2] ۱۹۹۳).

برخی از نظریات بر ارتباط بین قشربندی جنسیتی با تقسیم کار موجود در سطح کلان جامعه پرداخته و معتقد است از طریق تقسیم کار جنسیتی است که مردان به منافع بیشتری دسترسی پیدا می‌کنند و همین تفاوت در منابع مادی است که موجب می‌شود مردان تسلط بیشتری بر زنان داشته باشند. در این مبحث دو نوع پذیرش مطرح می‌شود، نوع اول که داوطلبانه است و مربوط به زنان خانه‌دار است، که فاقد شغل و درآمد هستند، و دیگری پذیرش از نوع اجباری است که زنان شاغل در سازمان‌ها را دربر می‌گیرد که به اشکال مختلف بر آن‌ها تحمیل می‌شود (چافتز[3]، ۱۹۹۳).

برخی از نظریه‌پردازان بر این اعتقاد هستند که تعادل و توازن قدرت در تصمیم‌گیری‌ها به نفع کسانی است که منابع و منافع بیشتری را به خانه می‌آورند. هرچه منابعی که فرد در اختیار دارد بیشتر باشد، از قدرت بیشتری برخوردار است و چنین فردی حق دارد تصمیمات مهمی را که بر کل خانواده تأثیر دارد اخذ کند. افزایش سطح تحصیلات مردان و پایگاه شغلی منابعی هستند که مردان می‌توانند از آن برای کسب قدرت بیشتر در روابط خانوادگی استفاده کنند (بلاد و ولف[4]، ۱۹۶۰).

محور دیدگاه فمینیسم نیز تشخیص نابرابری‌های جنسیتی است. بر اساس این دیدگاه زنان در موقعیت‌های نابرابری نسبت به مردان قرار دارند. اگرچه ممکن است زنان از استعداد و ویژگی‌های خاص برخوردار باشند، اما این دلیل تمایز دو جنس نیست و نابرابرهای موجود از جامعه سرچشمه

1.Turner
2. Blumberg
3. Chaftez
4. Blood& Wolf

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

می‌گیرد. به همین دلیل می‌توان دگرگونی‌های اساسی در موقعیت زنان ایجاد کرد (آبوت و والاس[1]، ۱۳۸۰)

آمارتیاسن که به موضوع ایجاد قابلیت‌ها و توانمندی‌ها برای همه انسان‌ها، به‌خصوص زنان، توجه ویژه‌ای کرده است و بر نقش فاعلی زنان نظیر توانایی در کسب درآمد مستقل، داشتن شغل بیرون از خانه و ... تأکید کرده و آن را عامل عمده‌ای در کاهش نابرابری جنسیتی و بهبود موفقیت زنان و ایجاد توسعه همه‌جانبه و پایدار می‌داند. دو جنبه اهمیت و ضرورت توجه به نقش زنان در توسعه از دیدگاه سن، مشاهده عملکرد بهتر در صورت اختصاص امکانات و زمینه‌های مناسب در آموزش، بهداشت، اشتغال و ... با اولویت زنان و نقش بسیار منفی نابرابری‌های جنسیتی در تشدید عوارض همه انواع دیگر نابرابری‌هاست و در اینجاست که باید به نقش مستقیم و عاملیت زنان در تسریع دستاوردهای عمومی توجه کرد (سن[2]، ۱۳۸۲، ۱۳۸۶).

بر اساس نظریات موجود، سعی شده است از ابتدای قرن بیستم (۲۰۰۶ میلادی) شاخص‌هایی برای تبیین نقش زنان طراحی شود. به عنوان مثال مجمع جهانی اقتصاد[3] شاخص‌هایی شکاف جنسیتی جهانی[4] را جهت درک میزان و گستره تفاوت‌های جنسیتی و پیگیری روند بهبود آن مطرح نمود. این شاخص بر اساس چهار معیار مشارکت و فرصت اقتصادی، قدرت سیاسی، دستاوردهای آموزشی و بهداشتی تعریف شده است. البته لازم به ذکر است شاخص‌های مشابهی مانند توسعه جنسیتی (GDI)[5] و شاخص نابرابری جنسیتی (GII)[6] در ذیل گزارش‌های توسعه انسانی برآورد می‌گردد.

بنابراین بر اساس نظریات عواملی جهت توانمند شدن زنان و افزایش مشارکت آن‌ها در جامعه مهم‌ترین عوامل کاهش نابرابری جنسیتی خواهد بود و توجه به این موارد در حال حاضر سرلوحه بسیاری از سیاست‌ها است.

1. Abot& valas
2. Sen
3. World Economic Forum
4. Global Gender Gap Report
5. Gender Development Index
6. Gender Inequality Index

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

۳. جایگاه فعالیت‌های زنان در جهان

فعالیت تولیدی زن در خانه و اجتماع در طول تاریخ فراز و نشیب‌های زیادی را پشت سر گذاشته است؛ اما با ظهور انقلاب صنعتی در غرب تحولات چشمگیری در حوزه کار اقتصادی زنان روی داد و همین امر موجب شد تا وضعیت زنان در جهان غرب تغییر اساسی یابد. اصلی‌ترین علل این امر انتقال تدریجی تولید از خانه به کارخانه و تفکیک عرصه عمومی و خصوصی، رشد صنعت و تکنولوژی و تحول فرهنگی ایجاد ساختارهای جدید سیاسی، فرهنگی و اقتصادی هستند. بنابراین انقلاب صنعتی ابتدا در غرب و سپس با گسترش در سراسر دنیا، جهان را دگرگون کرد. پیامد گریزناپذیر جریانات اقتصادی جهان، استقلال نسبی در کار و تعریف محیط‌های کاری برای زنان و مردان و سوق دادن اعضای خانواده به کار انفرادی بود. نخستین زنان اروپایی که در دوره پیش از جنگ به محیط‌های کاری کارخانه‌ها راه یافتند زنان فقیری بودند که ناچار بودند با مزد اندک کار طاقت‌فرسای کارخانه‌ها انجام دهند. بعد از جنگ‌های جهانی و در پی بی‌سرپرست شدن بسیاری از خانواده‌ها، تعداد بیشتری زنان و کودکان بی‌سرپرست وارد بازار کار شدند و همچنان دستمزد زنان، پایین و شرایط کار برای آنان طاقت‌فرسا باقی ماند. این تبعیضات ادامه یافت به طوری که برای مثال حتی آمارهای جهانی در دهه گذشته میلادی (دهه ۱۹۹۰ میلادی) حاکی از آن است که اگرچه زنان ۶۷ درصد ساعات کار جهان را انجام داده‌اند، اما فقط ۱۰ درصد درآمد جهان را به دست آورده‌اند. حدود هفتاد درصد بی‌سوادان جهان را زنان تشکیل می‌دهند و همچنین کمتر از یک درصد ثروت جهان را در اختیار دارند (نصیری، ۱۳۷۹).

در ادامه روند مشارکت زنان، آخرین آمار بر اساس سازمان جهانی کار نشان می‌دهد نرخ مشارکت نیروی کار در سطح جهان در سال ۲۰۱۵ برای زنان ۵۵ درصد و برای مردان ۷۷ درصد بوده است. در این سال در سراسر جهان، ۷۲ درصد مردان در سن کار شاغل بوده‌اند، در حالی که تنها ۴۷ درصد از زنان در سن کار شغل داشته‌اند.

بر اساس یک نمونه‌گیری سازمان ملل متحد از ۶۹ درصد از جمعیت بزرگ‌سال جهان، تجزیه و تحلیل ساعات کار هر فرد نشان می‌دهد که برای ۵۹ درصد از کارهای در سطح جهان دستمزد پرداخت می‌شود و در مشاغل با دستمزد اگرچه سهم زنان به ۲۱ درصد افزایش یافته، اما این میزان نصف سهم مردان (۳۸ درصد) است. در سطح جهان ۵۲ درصد از کار زنان، کمک به کار ۴۸

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

درصد از مردان تلقی می‌شود. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد در مشاغل بیرون از خانه سهم مردان تقریباً دو برابر زنان است و در کارهای بدون مزد، زنان سه برابر مردان کار می‌کنند و این کار بیشتر مربوط به کارهای درون خانه و مسئولیت‌های مراقبتی است.

در حوزه کارهای با دستمزد، زنان کمتر از مردان درگیر مشاغل آسیب‌پذیر هستند، اما با این حال نیمی از زنان شاغل کارهای آسیب‌پذیر انجام می‌دهند. زن‌ها همچنین سهم کمتری در مشاغل ارشد دارند و تنها ۲۲ درصد از زنان شاغل به کسب‌وکارهای مدیریتی مشغولند.

در حوزه کارهای بدون دستمزد نیز، زنان سهم بیشتری از کارهای مراقبتی را عهده‌دار هستند مانند مراقبت از کودکان، سالمندان و معلولان که فرصت‌های آن‌ها را برای اوقات فراغت، حقوق بازنشستگی و مزایای اجتماعی محدود می‌کند.

در ایران زنان در بازار کار صد سال بعد از زنان جوامع صنعتی جهان حضور یافتند، زیرا با وجود فرایند مدرنیزاسیون، بازار کار ظرفیت جذب نیروی کار زنان را نداشته است، به‌خصوص که نیروی کار زنان در مقایسه با نیروی کار مردان فاقد آموزش و تخصص هم بوده است. از این رو تحولات کند و آهسته اقتصادی توأم با باورهای سنتی که در ایران همواره با اشتغال زنان مخالفت کرده است، زن را از بازار کار دور نگاه داشته و در مراحلی که زن به طور جدی در بازار کار حضور یافته است نیز سدها و موانع سنتی و حقوقی به شکل‌ها و صورت‌های خاص بر سر راهش قرار گرفته است (کار، ۱۳۷۹).

در خصوص کار زنان در ایران شایان ذکر است، بر اساس آمار سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۵، ایران از نظر نابرابری‌های جنسیتی در ساعات کاری بی‌دستمزد و با دستمزد نسبت به متوسط جهانی اوضاع بدتری دارد. زنان ایرانی در هر روز ۳۰۷ دقیقه بدون دریافت مزد و ۴۱ دقیقه با دستمزد کار می‌کنند، در حالی که مردان ۷۸ دقیقه بدون مزد و ۲۶۳ دقیقه با مزد کار می‌کنند. بین زنان و مردان آمریکایی نیز اگرچه تفاوت وجود دارد، اما نسبت آن‌ها به هم نزدیک‌تر است. زنان در آمریکا روزانه ۲۵۲ دقیقه بدون مزد و ۱۶۶ دقیقه با مزد کار می‌کنند، مردان نیز ۱۶۳ دقیقه بدون مزد و ۲۵۲ دقیقه با دریافت دستمزد کار می‌کنند. زنان در کشور ترکیه، نسبت به زنان ایرانی ۶۴ دقیقه بیشتر بدون دستمزد کار می‌کنند، اما زمان کار آن ها با دریافت مزد نیز ۲۸ دقیقه بیشتر از زنان ایران است. مردان ترکیه، ۲۶۷ دقیقه با دریافت مزد و ۸۸ دقیقه بدون مزد کار می‌کنند.

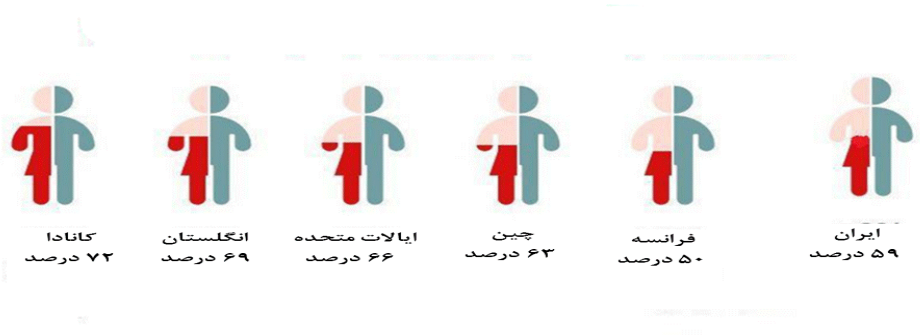
[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

جدول ۱. وضعیت کار با دستمزد و بی دستمزد زنان و مردان در روز در سال ۲۰۱۵ (دقیقه)

کشور	مردان		زنان	
	بامزد	بدون مزد	با مزد	بدون مزد
آمریکا	۲۵۲	۱۶۳	۱۶۶	۲۵۲
ترکیه	۲۶۷	۸۸	۶۹	۳۷۱
ایران	۲۶۳	۷۸	۴۱	۳۰۷

مأخذ: سازمان ملل متحد

یکی از موارد مهم در خصوص مشارکت زنان، بررسی میزان نابرابری دستمزد زنان و مردان در شغل‌های مشابه است. بر اساس محاسبات مجمع جهانی اقتصاد در سال ۲۰۱۴، کمترین نابرابری درآمد مردان و زنان در شغل‌های مشابه در کانادا با بهترین وضعیت ۷۲ درصد است. این شاخص در کشورهای پیشرفته غالباً فزون‌تر از ۶۰ درصد است. ایران در این شاخص در وضعیت مناسبی (۵۹ درصد) قرار دارد (شکل ۱).



مأخذ: World Economic Forum report 2015

شکل ۱. نابرابری زنان و مردان در شغل‌های مشابه در سال ۲۰۱٤

٤. بررسی وضعیت زنان در ایران

با توجه به آنکه بیان شد، یکی از معیارهای ارزیابی کشورها از نظر توسعه، میزان حضور و مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی است و بر اساس موازین جهانی در خصوص بررسی توازن جنسیتی در بازار کار در چهار حوزه نرخ مشارکت اقتصادی، قدرت سیاسی، آموزش و سلامت قابل سنجش است. در این بخش از گزارش وضعیت زنان در کشور با عنایت مؤلفه‌های بیان‌شده مورد بررسی قرار می‌گیرد.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

٤-۱. مشارکت اقتصادی زنان

یکی از مباحث توسعه میزان مشارکت زنان در بازار کار و نقش آن‌ها در تولید است. تحقیقات جدید نشان می‌دهد که قدرت چانه‌زنی زنان در خانواده با افزایش مشارکت آنان در بازار کار تقویت شده است. علی‌رغم اینکه زنان نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، تنها حدود ۱۷ درصد از کل شاغلین بازار کار را تشکیل می‌دهند و این در حالی است که در بسیاری از کشورها سهم زنان از نیروی کار بیش از ۳۰ درصد است.

در سال‌های اخیر، بازار کار کشور شاهد افزایش مشارکت اقتصادی زنان بوده که یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های بازار کار کشور قلمداد می‌گردد. بر اساس آمار موجود نرخ مشارکت اقتصادی زنان از ۹/۱ درصد در سال ۱۳۷۵ با روندی صعودی به ۱۳/۷ درصد در سال ۱۳۹۱ رسیده، اما پس از آن با روند کاهشی به ۱۲ درصد در پاییز ۱۳۹۳ کاهش یافته و در ۱۳۹۵ نرخ مشارکت اقتصادی زنان به ۱۴/۹ افزایش یافته است.

مقایسه نرخ مشارکت زنان و مردان در اقتصاد ایران نشان می‌دهد که در سال ۱۳۷۵ مشارکت مردان بیش از ۶ برابر زنان بوده که در سال‌های اخیر حدود ۴ تا ۵ برابر کاهش یافته است.

دلایل عمده افزایش مشارکت زنان و کاهش تفاوت مشارکت زنان و مردان در بازار کار طی دو دهه گذشته را می‌توان در افزایش سن ازدواج[1]، کاهش نرخ باروری، افزایش نرخ ورود زنان به تحصیلات ابتدایی[2]، افزایش ورود زنان به دانشگاه‌ها در مقایسه با مردان، کاهش بعد خانوار، ارتقای سطح استاندارد زندگی و نیاز به افزایش درآمدهای خانوار و تحولات فرهنگی و اجتماعی دانست (جدول ۲).

جدول ۲. تغییرات نرخ مشارکت اقتصادی زنان و مردان طی سال‌های ۹۵-۱۳۷۵ (درصد)

سال	کل	مرد	زن	نسبت مشارکت اقتصادی مردان به زنان
۱۳۷۵	۳۵.۳	۶۰.۸	۹.۱	۶.۷
۱۳۸۰	۳۷.۲	۶۲.۱	۱۱.۸	۵.۳
۱۳۸۵	۴۰.۴	۶۳.۹	۱۶.۴	۳.۹

۱. میانگین سن در اولین ازدواج زنان از ۱۹/۷ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۲۳/۴ در سال ۱۳۹۰ رسیده است.

۲. نرخ ورود زنان به تحصیلات ابتدائی از ۴۰ درصد در سال ۱۳۴۵ تقریباً به ۱۰۰ درصد در سال ۱۳۸۷ رسیده است.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

ادامه جدول ۲. تغییرات نرخ مشارکت اقتصادی زنان و مردان طی سال‌های ۹۵-۱۳۷۵ (درصد)

سال	کل	مرد	زن	نسبت مشارکت اقتصادی مردان به زنان
۱۳۸۸	۳۸.۹	۶۲.۸	۱۴.۵	۴.۳
۱۳۸۹	۳۸.۳	۶۲.۱	۱۴.۱	۴.۴
۱۳۹۰	۳۶.۹	۶۰.۷	۱۲.۶	۴.۸
۱۳۹۱	۳۷.۴	۶۱.۲	۱۳.۷	۴.۵
۱۳۹۲	۳۷.۶	۶۳	۱۲.۴	۵.۱
۱۳۹۳	۳۷.۲	۶۲.۵	۱۲	۵.۲
۱۳۹۴	۲۳۸.	.۲۳۶	۳۱۳.	۴.۷
۱۳۹۵	۳۹.۴	۶۴.۱	۱۴.۹	۴.۳

مأخذ: مرکز آمار ایران

شاخص‌های عمده نیروی کار زنان در جدول (۳) نشان داده شده است، شاخص نرخ بیکاری زنان در سال ۱۳۹۵ برابر تقریباً ۲۰/۷ درصد است که این میزان حدود دو برابر نرخ ۱۰/۵ درصدی بیکاری در مردان است. نرخ بیکاری جوانان در زنان بیش از ۲ برابر نرخ بیکاری کل زنان است که فزونی این نسبت از ۱/۵ نشان‌دهنده عدم توان اقتصاد در جذب پتانسیل‌های جوانان است. سهم اشتغال زنان در طی مدت (۹۵-۱۳۷۵) در بخش‌های کشاورزی و صنعت کاسته و بر خدمات افزوده شده است که این امر نشان می‌دهد بخش خدمات ظرفیت جذب اشتغال بیشتری برای زنان دارد. در زیر بخش‌های خدمات نیز عمدتاً در بخش خدمات اجتماعی و در مشاغلی از قبیل معلم، مدرس، پزشک و پرستار فعالیت می‌کنند.

جدول ۳. شاخص‌های عمده نیروی کار زنان ۹۵-۱۳۷۵ (درصد)

	نرخ بیکاری	نرخ بیکاری جوانان (۱۵ -۲۹) ساله	اشتغال در بخش کشاورزی	اشتغال در بخش صنعت	اشتغال در بخش خدمات
۱۳۷۵	۱۸,۹	-	۳۳	۳۴	۳۳
۱۳۸۰	۱۹,۹	۳۴,۹	۳۱,۲	۳۱,۸	۳۷
۱۳۸۵	۱۶,۲	۲۹,۵	۳۰,۹	۳۱,۷	۳۷,۳
۱۳۹۰	۲۰,۹	۴۰,۳	۲۶,۳	۲۳,۳	۵۰,۴
۱۳۹۱	۱۹,۷	۳۸,۱	۲۶,۱	۲۵,۲	۴۸,۶
۱۳۹۲	۱۹,۸	۳۹,۱	۲۳,۴	۲۵	۵۱,۶
۱۳۹۳	۱۹,۷	۴۰,۱	۲۱,۸	۲۴,۳	۵۳,۸
۱۳۹۴	۱۹,۴	۴۰,۲	۲۲,۸	۲۳,۸	۵۳,۴
۱۳۹۵	۲۰,۷	۴۲,۳	۲۲	۲۵,۲	۵۲,۸

مأخذ: مرکز آمار ایران

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

مقایسه شاخص‌های نرخ مشارکت و بیکاری زنان و مردان در کشورهای منتخب پیشرفته و هم‌تراز بر اساس مدل تخمین سازمان جهانی کار در سال ۲۰۱۴ که در جدول (۴) آمده است، نشان می‌دهد، نرخ مشارکت اقتصادی زنان در ایران با کشورهای منتخب تفاوت معناداری دارد. این شاخص در کشورهای پیشرفته بیش از سه برابر و در کشورهای هم‌تراز حدود دو برابر میزان در ایران است. تفاوت نرخ مشارکت زنان و مردان در ایران در کشورهای پیشرفته زیر ۱۰ درصد و در کشورهای هم‌تراز حدود ۴۰ درصد است، در حالی که این شاخص در ایران به میزان ۶۰ درصد است. نرخ بیکاری زنان در ایران تقریباً ۵ برابر کشورهای پیشرفته و دو برابر کشور هم‌ترازی مانند ترکیه است. تفاوت نرخ بیکاری زنان و مردان در ایران با کشورهای منتخب تفاوت معنی‌داری دارد، به طوری که در کشورهای منتخب تفاوت چندانی وجود ندارد، اما در ایران این میزان برابر ۸/۳ درصد است.

جدول ٤. مقایسه شاخص‌های مشارکت و بیکاری زنان و مردان در کشورهای منتخب در سال ۲۰۱٤ بر اساس مدل تخمینی سازمان جهانی کار (درصد)

	نرخ مشارکت زنان	نرخ مشارکت مردان	تفاوت نرخ مشارکت زنان و مردان	نرخ بیکاری زنان	نرخ بیکاری مردان	تفاوت نرخ بیکاری زنان و مردان
نروژ	۶۱٫۲	۶۸٫۵	-۷٫۳	۳٫۳	۳٫۶	۰٫۳
ژاپن	۴۸٫۷	۷۰٫۱	-۲۱٫۴	۳٫۴	۳٫۹	۰٫۵
کانادا	۶۱٫۴	۷۰٫۸	-۹٫۴	۶٫۵	۷٫۳	۰٫۸
مالزی	۴۴٫۵	۷۵٫۷	-۳۱٫۲	۲٫۲	۱٫۸	۰٫۴
ترکیه	۲۹٫۳	۷۰٫۸	-۴۱٫۵	۱۰٫۷	۸٫۶	۲٫۱
ایران	*۱۶٫۷	*۷۷٫۲	*-۶۰٫۵	۱۹٫۶	۱۱٫۳	۸٫۳

Source: World Development Indicators

*تفاوت آماری نرخ مشارکت زنان و مردان در جدول فوق به دلیل استفاده از آمار سازمان جهانی کار است که با آمار مرکز آمار ایران اختلاف دارد.

٤-۲. قدرت سیاسی زنان (سهم زنان شاغل در فعالیت‌های قانون‌گذاری و تخصصی)

یکی از مهم‌ترین معیارهای ایجاد توازن جنسیتی در اقتصاد، دسترسی زنان به سمت‌های بالای تصمیم‌گیری، قانون‌گذاری و افزایش تخصص است. تعداد زنان در سمت‌های قانون‌گذاری و

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

مقامات عالی‌رتبه و مدیران در ایران طی سال‌های (۹۰-۱۳۷۵) به بیش از ۳ برابر افزایش یافته است که این میزان برای مردان ۲ برابر بوده است. سهم زنان در این مشاغل اندک بوده و از ۱۲/۷ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۱۶/۹ درصد در سال ۱۳۹۰ رسیده است.

تعداد متخصصان زن طی سال‌های ۹۰-۱۳۷۵ با افزایش ۳۱۷ هزار نفر، از ۴۹۴ به ۸۱۱ هزار نفر رسیده است. این در حالی است که تعداد متخصصان مرد در این دوره ۲۲۶ هزار نفر افزایش یافته است. در بخش متخصصان حضور زنان پررنگ‌تر است و سهم زنان در این بخش از ۳۹/۱ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۴۴/۹ درصد در سال ۱۳۹۰ درصد رسیده است که این امر نشان‌دهنده کاهش فاصله متخصصان زن و مرد است (جدول ۵).

جدول ۵. تعداد زنان و مردان در سمت‌های قانون‌گذاری، مقامات عالی‌رتبه و مدیران و متخصصان در سال‌های ۹۰-۱۳۷۵ (هزار نفر)

شرح		۱۳۷۵		۱۳۸۵		۱۳۹۰	
		تعداد	نسبت از کل	تعداد	نسبت از کل	تعداد	نسبت از کل
قانون‌گذاران، مقامات عالی‌رتبه و مدیران	کل	۳۲۵	-	۶۰۸	-	۷۴۶	-
	مردان	۲۸۳	۸۷/۳	۵۱۴	۸۴/۵	۶۲۰	۸۳/۱
	زنان	۴۱	۱۲/۷	۹۴	۱۵/۵	۱۲۶	۱۶/۹
متخصصان	کل	۱۲۶۳	-	۱۹۲۳	-	۱۸۰۷	-
	مردان	۷۷۰	۶۱	۱۱۰۰	۵۷/۲	۹۹۶	۵۵/۱
	زنان	۴۹۴	۳۹	۸۲۴	۴۲/۸	۸۱۱	۴۴/۹

مأخذ: مرکز آمار ایران

٤-۳. آموزش زنان

آموزش به عنوان یکی از شاخص‌های پراهمیت در ارزیابی رشد و توسعه کشورها مورد توجه قرار می‌گیرد. در بخش آموزش عالی به عنوان مؤثرترین بخش در زمینه توانمندسازی افراد، تعداد دانشجویان زن نشان از افزایش دارد. تعداد دانشجویان و تفکیک دانشجویان دختر و پسر مطابق جدول (۶) هستند.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

جدول ٦. تعداد دانش‌آموختگان سطوح مختلف تحصیلی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی۱۳۹۳-۱۳۷٤

سال تحصیلی	کل	مرد	زن	سهم مردان	سهم زنان
۱۳۷۴-۷۵	۸۳۳۸۵	۵۶۴۴۷	۲۶۹۳۸	۶۷,۷	۳۲,۳
۱۳۷۹-۸۰	۱۳۰۴۱۱	۷۲۶۳۳	۵۷۷۷۸	۵۵,۷	۴۴,۳
۱۳۸۴-۸۵	۳۴۰۲۴۶	۱۶۸۹۴۷	۱۷۱۲۹۹	۴۹,۶	۵۰,۴
۱۳۹۰-۹۱	۷۱۶۰۹۶	۳۸۹۳۴۳	۳۲۶۷۵۳	۵۴,۴	۴۵,۶
۱۳۹۱-۹۲	۷۱۸۸۰۱	۳۹۴۷۷۴	۳۲۴۰۲۷	۵۴,۲	۴۵,۱
۱۳۹۲-۹۳	۷۳۸۲۶۰	۴۱۳۲۸۹	۳۲۴۹۷۱	۵۶	۴۴

مأخذ: مرکز آمار ایران

توضیح: سال‌های ۷۵-۱۳۷۴ و ۸۰-۱۳۷۹ به استثنا دانشگاه آزاد است و سال ۸۰-۱۳۷۹ به استثنا دانشگاه علمی کاربردی است.

تعداد کل دانش‌آموختگان سطوح مختلف تحصیلی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کل کشور طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۳ افزایش داشته است، به طوری که از ۸۳/۴ هزار نفر در سال تحصیلی ۷۵-۱۳۷۴ با حدود ۸ برابر افزایش به ۷۳۸ هزار نفر در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ رسیده است. حال آنکه تعداد دانش‌آموختگان زن در این دوره ۱۲ برابر شده است. مقایسه نرخ رشد دانشجویان زن و مرد نشان می‌دهد که تعداد دانش‌آموختگان زن از افزایش بیشتری نسبت به دانش‌آموختگان مرد برخوردار بوده است. لازم به ذکر است که اکنون دختران دانشجو می‌توانند در هر رشته‌ای که مایل باشند حتی رشته‌های فنی و مهندسی همچون مهندسی معدن، مهندسی هوافضا و ... مشغول به تحصیل شوند و هیچ محدودیتی برای آن‌ها وجود ندارد.

هم‌راستای کمیت آموزشی، کیفیت آموزشی نیز بسیار مهم است. از آنجایی که ایران در زمره کشورهایی است که در نمونه‌گیری‌ها برای درک علوم و ریاضی شرکت می‌کند، در این حوزه تست‌های فهم ریاضی و علوم که از دانش‌آموزان کلاس هشتم (که به نوعی آینده‌ساز محسوب می‌شوند) از بین ۵۰۰۰ تا ۷۰۰۰ نمونه برای افراد میانه جمعیت گرفته می‌شود. نتایج این شاخص برای ایران در جدول (۷) آورده شده است.

نتایج آزمون‌های استاندارد جهانی در این زمینه نشان می‌دهد که کیفیت آموزشی در ایران از متوسط جهانی (۵۰۰) در تمامی سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۵ پایین‌تر بوده است و حتی نمی‌توان روندی افزایشی در این آمارها برای سال‌های اخیر مشاهده کرد. در دروس علوم به نسبت ریاضی با اینکه نمرات باز هم پایین‌تر از متوسط جهانی است، اما وضعیت بهتری مشاهده می‌شود که این امر را تا حدی می توان به تکیه بالای سیستم آموزشی ایران به مباحث حفظی نسبت به خلاقیت دانست.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

تفاوت بین درک علوم و ریاضی در دختران و پسران در سال ۱۹۹۵، دختران در هر دو حوزه وضعیت پایین‌تری داشته‌اند، اما در سال‌های اخیر بالاخص در علوم از مردان پیشی گرفته‌اند.

جدول ۷. میزان درک علوم و ریاضی در ایران

شرح	ریاضی		علوم	
	مردان	زنان	مردان	زنان
۱۹۹۵	۴۰۷	۳۸۵	۴۵۸	۴۳۳
۱۹۹۹	۴۳۲	۴۰۸	۴۶۱	۴۳۰
۲۰۰۳	۴۰۸	۴۱۷	۴۵۳	۴۵۴
۲۰۰۷	۴۰۰	۴۰۷	۴۵۳	۴۶۶
۲۰۱۱	۴۱۸	۴۱۱	۴۷۱	۴۷۷
۲۰۱۵	۴۲۶	۴۳۷	۴۱۵	۴۲۷

Source: TIMSS data base, average scores

٤-٤. سلامت زنان

ساختار و برنامه‌ریزی مدیریت توسعه سلامت زنان در هر یک از کشورها بر اساس دیدگاه‌ها، سیاست‌ها و خط‌مشی‌های کلی حاکم بر نظام سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و همچنین ویژگی‌های نظام بهداشتی و درمانی آن‌ها، دنبال می‌شود. در این زمینه کشورهایی مانند کانادا، ایالات متحده و ژاپن تجارب موفقی داشته‌اند.

شاخص‌های کلی سلامت زنان در ایران و کشورهای منتخب در طی سال‌های (۲۰۱۴-۱۹۹۵) در جدول (۸) آمده است. این شاخص‌ها نشان می‌دهد اگرچه روند بهبود داشته است، اما شکاف زیادی با کشورهای منتخب موفق وجود دارد. به طوری که نرخ مرگ‌ومیر زنان به ازای هر ۱۰۰۰ نفر تقریباً دو برابر کشوری مانند ژاپن است.

این در حالی است که باید در خصوص سلامت زنان در نظر داشت که مطابق بر آمار وزارت بهداشت شیوع آرتروز، سرطان سینه، اختلالات اضطرابی، اضافه‌وزن و کم‌تحرکی، پوکی استخوان، ام‌اس، دیابت، بیماری‌های قلبی، عروقی و کمبود ویتامین‌های مؤثر در سلامت زنان همچون ویتامین A و D مهم‌ترین مشکلاتی است که امروز جامعه پزشکی کشور نسبت به افزایش آن در زنان ایرانی ابراز نگرانی می‌کند. بنابراین اگرچه در طی سال‌های اخیر امید به زندگی زنان در کشور در حال افزایش است، اما متأسفانه میزان زیادی از این افزایش طول عمر همراه با ناتوانی و معلولیت طی می‌شود.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

جدول ۸. شاخص‌های سلامت زنان در ایران و کشورهای منتخب موفق

شاخص	احتمال زنده ماندن تا ۶۵ سال (درصد)						امید به زندگی زنان (سال)						نرخ مرگ‌ومیر زنان به ازای هر ۱۰۰۰ نفر (تعداد)					
سال (میلادی)	۱۹۹۵	۲۰۰۰	۲۰۰۵	۲۰۱۰	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۱۹۹۵	۲۰۰۰	۲۰۰۵	۲۰۱۰	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۱۹۹۵	۲۰۰۰	۲۰۰۵	۲۰۱۰	۲۰۱۳	۲۰۱۴
ژاپن	۹۱,۱	۹۲,۹	۹۳,۲	۹۳,۶	۹۳,۹	۹۴,۱	۸۲,۸	۸۴,۶	۸۵,۵	۸۶,۳	۸۶,۶	۸۶,۸	۵۱,۷	۴۷,۶	۴۴,۹	۴۱,۴	--	--
ایالات متحده	۸۵,۵	۸۶,۵	۸۷,۲	۸۷,۸	۸۸,۱	۸۸,۰۲	۷۸,۹	۷۹,۳	۷۹,۹	۸۱	۸۱,۳	۸۱,۴	۸۹,۳	۸۳,۳	۸۱,۴	۷۷,۲	۷۸,۱	--
کانادا	۸۹,۱	۸۹,۹	۹۰,۶	۹۱,۴	۹۱,۸	۹۱,۹	۸۱	۸۱,۹	۸۲,۷	۸۳,۲	۸۳,۶	۸۴	۶۶,۹	۶۱,۱	۵۷,۱	۵۲,۷	--	--
ایران	۷۳,۴	۷۷,۸	۸۱,۹	۸۵,۷	۸۷,۵	۸۷,۷	۶۸,۷	۷۱,۱	۷۳,۵	۷۵,۵	۷۶,۳	۷۶,۵	۱۵۳,۹	۱۲۶,۱	۱۰۲,۱	۷۶,۸	۶۵	۶۴,۱

Source: World Development Indicators

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

در خصوص تجارب موفق جهانی در زمینه سلامت شایان ذکر است، در کانادا و ایلات متحده، مدیریت و برنامه‌ریزی در سطح کلان و مرکزی متمرکز و بسیار پیشرفته مورد تأکید بوده و تا پایین‌ترین سطوح امتداد یافته است. به طور کلی می‌توان بیان داشت کشورهای آمریکا و کانادا در زمینه مدیریت توسعه سلامت زنان بسیار هماهنگ و سازمان‌یافته عمل کرده‌اند. در این زمینه در بدنه دولت دفاتر نمایندگی زنان تشکیل گردیده که به تقویت و گسترش پژوهش سلامت زنان و افزایش زنان پژوهشگر توجه ویژه کرده است.

در کشور ژاپن با توجه به قوانین سنتی و شرقی دیرین که به زنان و سلامت زنان توجه گردیده و همچنین وجود قوانین برابری جنسیتی در این کشور باعث شده است ژاپن دارای بهترین شاخص‌های جهانی سلامت در زمینه مرگ مادران و کودکان و امید به زندگی زنان باشد.

لازم به ذکر است، در ایران سیاست‌گذاران کلان در بدنه وزارت بهداشت در خصوص سلامت زنان شامل مشاور وزیر در امور زنان، دفتر امور زنان دفتر سلامت جمعیت و خانواده و واحدهای اداری تابعه هستند که مقرر است به صورت متمرکز نقش رهبری و هماهنگ کننده اصلی را ایفا کنند، لیکن جایگاه سازمانی مشخص نداشته و با تغییرات مسئولان تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

۵. توسعه جنسیتی در ایران از منظر گزارش‌های بین‌المللی

در بین گزارش‌های بین‌المللی شاخص شکاف جنسیتی جهانی بر اساس چهار معیار مشارکت و فرصت اقتصادی، قدرت سیاسی، دستاوردهای آموزشی و بهداشتی که توسط مجمع جهانی اقتصاد منتشر می‌شود و شاخص توسعه جنسیتی (GDI) یا شاخص نابرابری جنسیتی (GII) در ذیل گزارش‌های توسعه انسانی از جمله معیارهایی هستند که در سطح بین‌المللی توسعه جنسیتی را بررسی می‌کنند. بر اساس آخرین گزارش‌ها وضعیت ایران در گزارش شکاف جنسیتی به شرح جدول (۹) و بر اساس شاخص‌های گزارش توسعه انسانی بر اساس توسعه جنسیتی و نابرابری جنسیتی به شرح جداول (۱۰) و (۱۱) است.

شاخص شکاف جنسیتی، تفاوت‌های میان دو جنس زن و مرد را در چهار بعد سیاسی، اقتصادی، آموزش و بهداشت بررسی می کند. اهمیت این شاخص در کنار دقت عمل بالا و اعتباری که در میان شاخص‌های جهانی دارد، به دلیل کیفیت اندازه‌گیری آن است، یعنی اندازه گرفتن فاصله میان زنان و مردان در ابعاد یادشده است. شاخص جهانی شکاف جنسی عددی بین ۰ و ۱

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

است. هر اندازه عدد نهایی به ۰ نزدیک شود، نابرابری مطلق و هر اندازه عدد به ۱ نزدیک شود، برابری مطلق را نشان می‌دهد.

در جدول (۹) نمره و رتبه ایران در شاخص کل شکاف جنسیتی و ابعاد چهارگانه آن به طور مجزا برای سال‌های (۲۰۱۷-۲۰۰۶) آورده شده است. بررسی شاخص شکاف جنسیتی جهانی طی سال‌های ۲۰۰۶ الی ۲۰۱۷ نشان می‌دهد که کشور ما همواره عملکرد و رتبه بسیار پایینی داشته و در این دوره تغییر نکرده و بهبودی حاصل نشده است، به طوری که در سال ۲۰۰۶ در بین ۱۱۵ کشور با نمره ۰/۵۸ در رتبه ۱۰۸ قرار داشته و در سال ۲۰۱۷ در بین ۱۴۴ کشور با امتیاز ۰/۵۸۳ رتبه ۱۴۰ را به خود اختصاص داده است و در زیر شاخص‌های مشارکت اقتصادی و سلامت افت داشته است.

به طور کلی می توان بیان داشت، زنان در زمینه سیاسی نزدیک به نابرابری مطلق است و در زمینه مشارکت اقتصادی نمره ایران از متوسط (۰/۵) پایین‌تر است. در شاخص‌های بخش سلامت و بهداشت بهره‌مندی مناسب‌تری زنان را از امکانات آموزشی و بهداشتی نشان می‌دهد. اما در مجموع می‌توان بیان داشت ایران در این تقسیم‌بندی جز کشورهای بسیار پایین است.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

جدول ۹. شاخص‌های شکاف جنسیتی طی سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۰۶

شرح		شاخص کل		اقتصادی		آموزش		سلامت		سیاسی	
سال	تعداد کشورها	رتبه	نمره	رتبه	نمره	رتبه	نمره	رتبه	نمره	رتبه	نمره
۲۰۰۶	۱۱۵	۱۰۸	۰,۵۸۰	۱۱۳	۰,۳۵۹	۸۰	۰,۹۵۴	۵۲	۰,۹۷۸	۱۰۹	۰,۰۳۱
۲۰۰۷	۱۲۸	۱۱۸	۰,۵۹۰	۱۲۳	۰,۳۹۵	۹۰	۰,۹۵۸	۵۸	۰,۹۷۸	۱۲۲	۰,۰۳۱
۲۰۰۸	۱۳۰	۱۱۶	۰,۶۰۲	۱۱۸	۰,۴۴۹	۹۲	۰,۹۶۵	۶۰	۰,۹۷۸	۱۲۸	۰,۰۱۷
۲۰۰۹	۱۳۴	۱۲۸	۰,۵۸۴	۱۳۱	۰,۳۷۷	۹۶	۰,۹۶۴	۶۳	۰,۹۷۸	۱۳۲	۰,۰۱۷
۲۰۱۰	۱۳۴	۱۲۳	۰,۵۹۳	۱۲۵	۰,۴۲۶	۹۶	۰,۹۵۹	۸۳	۰,۹۷۱	۱۲۹	۰,۰۱۷
۲۰۱۱	۱۳۵	۱۲۵	۰,۵۸۹	۱۲۵	۰,۴۴۴	۱۰۵	۰,۹۲۵	۸۵	۰,۹۷۱	۱۳۰	۰,۰۱۷
۲۰۱۲	۱۳۵	۱۲۷	۰,۵۹۳	۱۳۰	۰,۴۱۲	۱۰۱	۰,۹۵۳	۸۷	۰,۹۷۱	۱۲۶	۰,۰۳۵
۲۰۱۳	۱۳۶	۱۳۰	۰,۵۸۴	۱۳۰	۰,۳۶۵	۹۸	۰,۹۶۵	۸۷	۰,۹۷۱	۱۲۹	۰,۰۳۵
۲۰۱۴	۱۴۲	۱۳۷	۰,۵۸۱	۱۳۹	۰,۳۵۹	۱۰۴	۰,۹۵۷	۸۹	۰,۹۷۱	۱۳۵	۰,۰۳۷
۲۰۱۵	۱۴۵	۱۴۱	۰,۵۸۰	۱۴۱	۰,۳۵۷	۱۰۶	۰,۹۵۴	۹۹	۰,۹۷۱	۱۳۷	۰,۰۳۷
۲۰۱۶	۱۴۴	۱۳۹	۰,۵۸۴	۱۴۰	۰,۳۵۷	۹۴	۰,۹۷۵	۹۸	۰,۹۷۱	۱۳۶	۰,۰۴۷
۲۰۱۷	۱۴۴	۱۴۰	۰,۵۸۳	۱۴۰	۰,۳۵۷	۱۰۰	۰,۹۶۵	۱۳۵	۰,۹۶۳	۱۳۶	۰,۰۴۶
تغییر ۲۰۰۶–۲۰۱۷			۰,۰۰۳		-۰,۰۰۲		۰,۱۱		-۰,۰۱۵		۰,۰۱۵

Source: The Global Gender Gap Report (2017)

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

در گزارش‌های توسعه انسانی همان طور که بیان گردید جهت درک تفاوت‌های بین مردان و زنان شاخص‌هایی در دو شاخص توسعه جنسیتی و نابرابری جنسیتی در نظر گرفته شده است که شاخص توسعه جنسیتی به بیان قابلیت‌ها و امکانات بالقوه‌ای که در اختیار زنان قرار دارد می‌پردازد و شاخص نابرابری جنسیتی به میزان استفاده زنان از امکانات بالقوه و میزان به فعلیت رسیدن این فرصت‌های بالقوه و همچنین بر قابلیت زنان برای بهره‌برداری از فرصت‌های زندگی و مشارکت در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی دلالت می‌کند.

لازم به توضیح است، ایران در گزارش توسعه انسانی ۲۰۱۶ به لحاظ تقسیم‌بندی شاخص توسعه انسانی در رده ۶۹ از بین ۱۸۸ کشور جهان و در زمره کشورها با توسعه انسانی بالا قرار دارد. اما بر اساس شاخص توسعه جنسیتی جایگاه ایران متفاوت است.

در شاخص توسعه جنسیتی که بر اساس بهداشت، آموزش و تسلط بر منابع درآمدی تعریف شده است، ایران قریب کشورهای توسعه انسانی متوسط است. در بین مؤلفه‌های این شاخص بیشترین تفاوت در درآمد سرانه ناخالص ملی برای زنان است و نشان می‌دهد در ایران زنان از منابع اقتصادی بهره کناری را دارا هستند.

جدول ۱۰. شاخص توسعه جنسیتی در سال ۲۰۱۵

شرح	شاخص توسعه جنسیتی	امید به زندگی		متوسط سال‌های تحصیل		درآمد سرانه ناخالص ملی (دلار)	
		زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد
توسعه انسانی بسیار بالا	۰,۹۸۰	۸۲,۴	۷۶,۶	۱۲,۱	۱۲,۲	۲۹۲۳۴	۵۰۲۸۴
توسعه انسانی بالا	۰,۹۵۸	۷۷,۷	۷۳,۴	۷,۸	۸,۳	۱۰۲۱۴	۱۷۳۸۴
توسعه انسانی متوسط	۰,۸۷۱	۷۰,۴	۶۶,۸	۵,۶	۷,۸	۳۳۱۴	۹۱۳۱
توسعه انسانی پایین	۰,۸۴۹	۶۰,۷	۵۸,۰	۳,۶	۵,۶	۱۹۵۰	۳۳۶۵
ایران	۰,۸۶۲	۷۶,۷	۷۴,۵	۸,۵	۹,۱	۵۱۳۲	۲۷۴۹۹

Source: Human Development report 2016

با بررسی در شاخص نابرابری‌های جنسیتی در سه زمینه بهداشت، توانمندسازی و فعالیت اقتصادی بر اساس مقیاس سنجش بهداشت باروری، میزان مرگ‌ومیر مادران، زایمان‌های نوجوانان و تعداد نمایندگان زن در مجلس و دستاوردهای در آموزش متوسطه و عالی و میزان مشارکت زنان و

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

مردان ملاحظه می‌شود شاخص‌های ایران در نابرابری جنسیتی نزدیک کشورهای با توسعه انسانی متوسط است. در شاخص‌های موجود تعداد نمایندگان زن در مجلس و میزان مشارکت زنان در بازار کار با کشورهای توسعه انسانی بیشترین تفاوت را دارد و باعث فاصله گرفتن ایران از کشورهای در زمره کشورها با توسعه انسانی بالا است.

جدول ۱۱. شاخص نابرابری جنسیتی در سال ۲۰۱۵

	مقدار شاخص نابرابری جنسیتی	رتبه شاخص نابرابری جنسیتی	میزان مرگ و میر مادران	میزان زایمان‌های نوجوانان (۱۹-۱۵ ساله)	تعداد نمایندگان زن در مجلس	جمعیت دارای حداقل تحصیلات متوسطه (درصد)		میزان مشارکت در بازار کار	
						زن	مرد	زن	مرد
توسعه انسانی بسیار بالا	۰,۱۷۴		۱۴	۱۷	۲۵,۸	۸۸,۴	۸۹,۳	۵۲,۶	۶۸,۶
توسعه انسانی بالا	۰,۲۹۱		۳۶	۲۷,۴	۲۱,۶	۶۶,۹	۷۴	۵۶,۵	۷۷,۱
توسعه انسانی متوسط	۰,۴۹۱		۱۶۴	۴۰,۸	۱۹,۹	۴۰,۴	۵۷,۶	۳۷,۲	۷۹,۴
توسعه انسانی پایین	۰,۵۹۰		۵۵۳	۱۰۱,۸	۲۲,۰	۱۴,۸	۲۵,۹	۶۰,۳	۷۷,۱
ایران	۰,۵۰۹	۱۱۸	۲۵	۲۶,۷	۳,۷	۶۶,۸	۷۰,۲	۱۶,۲	۷۲,۷

Source: Human Development report 2016

٦. اقدامات اخیر انجام‌شده جهت بهبود وضعیت زنان در ایران

٦-١. اقدامات انجام‌شده در خصوص بهبود وضعیت بازار کار

رویکرد کلی جهت حفظ ثبات و سازگاری سیاست‌های اقتصادی و بهبود محیط کسب‌وکار کشور با هدف تقویت طرف تقاضای بازار نیروی کار می‌تواند بر بازار کار زنان و ایجاد فرصت‌های شغلی برای آنان تأثیرگذار باشد. از جمله این سیاست‌ها که در سال‌های اخیر در نظر گرفته شده است می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- ارائه طرح ایجاد فضای مساعد کارآفرینی و رفع موانع کسب‌وکار؛
- تشکیل جلسات شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی به منظور تسهیل فعالیت‌های اقتصادی بخش خصوصی و همچنین بررسی و رفع موانع کسب‌وکار؛

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

- پیگیری ضوابط مرتبط با فضای کسب‌وکار در قانون برنامه پنجم توسعه نظیر مواد (۶۲) و (۷۰) قانون برنامه با موضوع تسهیل در فرایند اخذ مجوزها و ایجاد فرایند پنجره واحد در قالب ساختار سازمانی مشخص؛
- اهتمام به تدوین، تنظیم و ابلاغ آیین‌نامه و دستورالعمل‌های مبتنی بر بهبود فضای کسب‌وکار با مشارکت بخش خصوصی؛
- اتخاذ سیاست‌ها و راهبردهایی چون احیای نظام استاد- شاگردی، حمایت از فعالیت‌های دانش‌بنیان، توسعه مشاغل خانگی، مشاغل خرد، خوداشتغالی و توسعه و گسترش آموزش‌های کسب‌وکار و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای؛
- ارائه سند برنامه جامع توسعه امور زنان و خانواده با عنایت به اشتغال زنان سرپرست خانوار و کارآفرینی دختران تحصیل‌کرده و صاحب مهارت؛
- ارائه طرح حمایت از تولید ملی با تأکید بر نیروی کار ایرانی بالاخص برای زنان؛
- آماده‌سازی گزارش «توانمندسازی اقتصادی زنان در دنیای متغیر کار» در معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری با تأکید بر اقدامات حقوقی، قانونی، سیاست گذاری، اجرای طرح‌های ملی، منطقه‌ای و استانی و همکاری‌های شبکه‌ای با بخش‌های خصوصی و جامعه مدنی؛
- اجرای پروژه‌های صندوق‌های اعتبار خرد زمینه دسترسی زنان به منابع مالی؛
- انعقاد تفاهم‌نامه‌ای بین معاونت امور زنان ریاست جمهوری، جهاد کشاورزی جهت اقدام به منظور تسهیل تشکیل و فعالیت تعاونی‌های بانوان و تشکل‌های محلی و خوشه‌های شغلی ویژه زنان و دختران کارآفرین و صاحبان ایده و زمینه‌سازی لازم برای حمایت از تعاونی‌های زنان روستایی و عشایری در راستای توسعه اشتغال پایدار، اقدام برای شناسایی، آموزش و ترویج کارآفرینی برای زنان و دختران فارغ التحصیل و حمایت مؤثر از زنان خلاق و نوآور؛
- انتخاب نخستین سفیر زن در جمهوری اسلامی و سخنگوی دیپلماسی کشور و انتصاب تعداد قابل توجه فرمانداران و بخشداران زن.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

٦-۲. اقدامات انجام‌شده در خصوص بهبود وضعیت سلامت و آموزش زنان و دختران

- همکاری معاونت زنان ریاست جمهوری و آموزش و پرورش جهت انجام پروژه‌هایی در راستای ارتقای سلامت دختران در قالب آسیب‌شناسی روانی- اجتماعی دانش آموزان دختر دوره متوسطه دوم و بهبود وضعیت بهداشتی دانش آموزان دختر محروم و نیازمند کشور در مقطع اول متوسطه (پایه اول) در سطح ملی؛
- راه‌اندازی کلینیک‌های سلامت خانواده و تدوین بسته خدمتی این کلینیک‌ها در ۱۷ دانشگاه علوم پزشکی با تأکید بر برنامه تشخیص زودهنگام و غربالگری سرطان مربوط به زنان؛
- رایگان کردن زایمان طبیعی در بیمارستان‌های دولتی در جهت ارتقای وضعیت سلامت زنان؛
- ایجاد پوشش بیمه‌ای برای درمان زوج‌های نابارور؛
- اجرای قانون افزایش مجاز مرخصی زایمان از ۶ ماه به ۹ ماه؛
- اجرای طرح توانمندسازی زنان آسیب‌دیده و آسیب‌پذیر و توانمندسازی زنان سالمندان به منظور بهبود کیفیت زندگی در دوران سالمندی با همکاری سازمان بهزیستی و معاونت امور زنان و خانواده رئیس‌جمهور؛
- اجرای طرح توان‌افزایی و ارتقای تاب‌آوری اجتماعی زنان و خانواده توسط معاونت امور زنان و خانواده در سطح ملی، منطقه ای و استانی با همکاری نهادهای مختلف مانند وزارت آموزش‌وپرورش، وزارت بهداشت، سازمان نهضت سوادآموزی؛
- جهت‌گیری کلی سهمیه‌بندی جنسیتی در حوزه آموزش عالی به شکل تدریجی به طوری که تعادل جنسیتی در کادر پزشکی کشور به اجرا درآمده است؛
- پیش‌بینی اختصاص بودجه‌ای جهت احداث استادیوم ورزشی ویژه بانوان در تهران در بودجه سال ۱۳۹۵؛
- انعقاد تفاهم‌نامه‌ای بین معاونت امور زنان ریاست جمهوری، جهاد کشاورزی و وزارت آموزش و پرورش در جهت توانمندسازی زنان روستایی و عشایری از طریق ارتقای کیفی و کمی مدارس دخترانه روستایی، عشایر و مناطق محروم و حمایت از دختران بازمانده از تحصیل.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

۷. چالش‌های موجود در خصوص حوزه‌های مرتبط با زنان

- عدم استفاده از قابلیت‌ها و توانمندی زنان بر اساس شاخص‌هایی آموزشی و سلامت در مشارکت اقتصادی و سیاسی کشور؛
- پایین بودن سهم زنان در پست های مدیریتی و تصمیم گیری در سطوح بالا در مقایسه با سایر کشورها، و سهم اندک آنان در جهت قانون‌گذاری، تصمیم سازی و سیاست‌گذاری کلان کشور؛
- افزایش عرضه نیروی کار حتی با وجود کاهش رشد جمعیت، به دلیل افزایش مشارکت زنان (در صورتی که فرصت های شغلی به میزان کافی ایجاد نشود، سبب گسترش بیکاری خواهد گردید)؛
- نابرابری فرصت‌های شغلی برای زنان و مردان و نادیده گرفتن کیفیت سرمایه انسانی زنان در بخش‌های مختلف اقتصاد از جمله صنعت.
- تفکیک جنسیتی و سهمیه‌بندی جنسیتی در حوزه آموزش عالی؛
- عدم اختصاص اعتبارات لازم به طرح‌های مرتبط در حوزه زنان و خانواده، به طوری که قوانین مصوب در حوزه زنان به دلیل فقدان منابع مالی لازم اجرایی نمی‌گردد؛
- مشخص نبودن جایگاه نهادهای رسمی متولی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی امور زنان و خانواده و فقدان نظارت، ارزیابی و ضمانت اجرایی برنامه‌های مرتبط؛
- حاشیه‌ای بودن مسائل زنان در وزاتخانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی؛
- عدم وجود نهادهای جامعه مدنی قوی در جهت حمایت و توانمند نمودن زنان؛
- عدم وجود شبکه‌های همکاری بین شرکتی و ارزش اجتماعی در کسب‌وکار زنان در بخش‌های کارآفرینی؛
- تقلیل مسائل حوزه زنان و خانواده به مسائل گروه‌های خاص و آسیب‌پذیر؛
- عدم باور مسئولان اجرایی کشور در زمینه ضرورت حضور زنان در عرصه‌های مختلف جامعه برای دستیابی به توسعه متوازن و پایدار؛
- کمبود شرکت‌های تعاونی تولیدی زنان به‌ویژه در بخش‌های کشاورزی و صنایع دستی که زنان در این بخش‌ها از حضور بیشتری برخوردار هستند؛

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

۸. راهکارها و سیاست‌ها در حوزه زنان

- اصلاح نگرش در مورد سلامت زنان فراتر از باروری و توجه به ابعاد فیزیکی، روانی و اجتماعی؛
- توجه به مسائل زنان در پژوهش‌های کاربردی در چگونگی تأثیر شیوه‌های ارائه خدمات مورد نیاز زنان در زمینه فرهنگ‌سازی و توانمندسازی ورود زنان به عرصه‌های اقتصاد و سیاست؛
- آموزش مهارت‌های لازم برای ورود زنان به بازار کار از طریق آموزش‌های اولیه و حین کار (شامل آموزش مدیریت)؛
- تدوین برنامه ها و تدارک خدمات بهداشتی ادغام یافته، جامع و هماهنگ برای رفع نیازهای سلامت زنان در طی دوره زندگی و با توجه به نقش‌های متعدد آنان؛
- قرار دادن اولویت‌ها در حوزه زنان در تخصیص بودجه سال‌های آینده و اهتمام و جدیت بیشتر در اجرای قوانین حاضر مرتبط با امور زنان؛
- حمایت از دسترسی زنان به منابع و تسهیلات مالی و رفع موانع حقوقی در دسترسی به منابع مالی مورد نیاز آن‌ها؛
- فراهم کردن فرصت‌های عرضه تولیدات و خدمات زنان در نمایشگاه‌ها و بازارهای خارجی و داخلی؛
- توجه به نیروی محرکه عرضه نیروی کار زنان در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی کشور؛
- تدوین قوانین جدید به گونه‌ای که کارفرمایان را به‌ویژه در بخش خصوصی، تشویق به استخدام زنان کند و حتی پست‌های مدیریتی را برای آن‌ها در نظر گیرد؛
- کمک به ایجاد نهادهای مدنی مانند سایر کشورها که می‌توانند در برنامه‌های ایجاد اشتغال با دیدگاه برابری فرصت‌های زنان و مردان نقش مهمی را از طریق آموزش و پرورش (از قبیل جنبش‌های سوادآموزی، ساخت مدارس و ارائه سایر اشکال آموزشی و بازاریابی) و افزایش شبکه‌های اطلاعاتی و دانشی در باب فقرزدایی با نگاه ویژه به مسائل اشتغال زنان ایفا کنند؛
- سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های فرهنگ‌سازی در جهت بالا رفتن سطح عمومی فرهنگ در جامعه که موجب می‌شود فرصت‌ها به صورتی عادلانه‌تر در اختیار زنان قرار گیرد؛

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

- ایجاد مراکز فرهنگی، ورزشی و تفریحی اختصاصی زنان که بتواند به گسترش حضور زنان در عرصه‌های عمومی، حرفه‌ای و ورزشکاری کمک کند؛
- حمایت بیشتر از تأسیس شرکت‌های تعاونی تولیدی زنان به‌ویژه در بخش‌های کشاورزی و صنایع دستی و کوچک‌مقیاس به عنوان یکی از راه‌های افزایش مشارکت زنان؛
- ارتقای پوشش خدمات تأمین اجتماعی برای زنان.

منابع و مأخذ

- **ابوت، پالما؛ کلر والاس** (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی زنان*، ترجمه: منیژه نجم عراقی. تهران: نشر نی.
- **ابوت، پاملا؛ والاس، کلر** (۱۳۷۶). *درآمدی بر جامعه شناسی نگرش‌های فمینیستی*. ترجمه مریم خراسانی و حمید احمدی. انتشارات دنیای مادر.
- تبیین وضعیت زنان در دولت یازدهم، گزارش فرهنگ، رسانه و اجتماع، وزارت علوم تحقیقات و فناوری، پاییز ۱۳۹۵.
- **رفعت جاه، مریم؛ خیرخواه، فاطمه** (۱۳۹۲). «مسائل و چالش‌های اشتغال زنان در ایران از دیدگاه شاغلان پست‌های مدیریتی». *مجله علمی پژوهشی مطالعات توسعه اجتماعی فرهنگی*. دوره ۱. شماره ۲. صص ۱۳۰-۱۵۶.
- **سن، آمارتیا** (۱۳۸۱). *توسعه به مثابه آزادی*. ترجمه وحید محمودی. تهران: انتشارات دستان.
- **سن، آمارتیا** (۱۳۸۲). *توسعه به مثابه آزادی*. ترجمه وحید محمودی، انتشارات دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
- **سن، آمارتیا** (۱۳۸۶). *نیاز اقتصاد به ارزش‌های اخلاقی*. ترجمه احمد میدری. *مجله دین و اقتصاد*، سال دوم، شماره ۵ و ۶. تابستان و پاییز. ص ۹.
- **صادقی فسایی، سهیلا؛ کلهر، سمیرا** (۱۳۸۶). «ابعاد شکاف جنسیتی و میزان تحقق کاهش آن در برنامه سوم». *مجله پژوهش زنان*، دوره پنجم، شماره ۲.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

- **صادقی، مسعود؛ عمادزاده، مصطفی** (۱۳۸۳). «تحلیلی بر عوامل اقتصادی مؤثر در اشتغال زنان». *مجله پژوهش زنان*. دوره ۲. شماره ۱. صص ۵-۱۲.
- **فتحی، لاله** (۱۳۸۴). «زنان در عرصه مدیریت». روزنامه همشهری. شماره ۳۸۰۳. ص ۱۰
- **کار، مهرانگیز** (۱۳۷۹). «زنان در بازار کار ایران». تهران: انتشارات روشنگران و مرکز مطالعات.
- **کینگ، الیزابت** (۱۳۷۶). *نقش آموزش زنان در توسعه اقتصادی*، ترجمه غلامرضا آزاد (ارمکی). انتشارات روشنگران.
- **موحد، مجید؛ عنایت، حلیمه؛ گرگی، عباس** (۱۳۸۴). «عوامل اقتصادی اجتماعی مؤثر بر نگرش زنان نسبت به نابرابری‌های جنسیتی». *مجله پژوهش زنان*. دوره ۳. شماره ۲.
- **مؤمنی، فرشاد؛ ارضرومچیلر، سمیه؛ هنردوست، عطیه** (۱۳۹۳). «بررسی وضعیت زنان در برنامه‌های توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی پس از انقلاب». *نشریه زن در فرهنگ و هنر*. دوره ۶. شماره ۱.
- **میشل، آندره** (۱۳۷۶). «تبعیض موقوف». ترجمه محمدجعفر پوینده. *پژوهشنامه زنان*. سال ۶. شماره ۳۵. صص ۴۴-۴۲.
- **نصیری، حسین** (۱۳۷۹). *توسعه پایدار چشم‌انداز جهان سوم*. تهران: فرهنگ و اندیشه.
- **هام، مگی؛ گمیل، سارا** (۱۳۸۲). *فرهنگ نظریه‌های فمینیستی*. ترجمه نوشین احمدی. فیروزه مهاجر و فرخ قره داغی. تهران: توسعه.
- **همتی، رضا؛ مکتوبیان، مریم** (۱۳۹۲). «بررسی وضعیت نابرابری جنسیتی در میان کشورهای منتخب خاورمیانه با تأکید بر جایگاه ایران». *پژوهشنامه زنان*. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. سال چهارم. شماره ۲.
- **Amancio, L**. (2005). "Reflection on Science as a gendered endeavor: Changes and continuities", Social Science Information, vol. 44, pp. 65-83.
- **Blood, R.Q & Wolf, D.M** (1960) Husband and wives: the Dynamics of Married Living, Glenncoe, IL:Free Press.
- **Chaftez. Js.** (1993). Macro structural perspective on gender inequality in theory in theory on gender/feminism: edited by P.england. New York: Aldine de Gruyter 69-90.
- **Collins, R.** (1975) Conflict Sociology, New York, Academic Press Inc.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

- **Dollar, D & R. Gatti** (1999)."Gender Inequality, Income, and Growth: Are Good Times Good For Women", Word Bank Working Paper.
- http://data.worldbank.org/data-catalog/world-development-indicators.
- Human Development report 2015
- **Klasen, Stephan** (1999) "Does Gender Inequality Reduce Growth and Development? Evidence from Cross Country Regressions. Policy research report on gender and development",Working Paper Series, No.7.
- **Michelle Baunach, D.** (2001) "Gender Inequality in Childhood: Toward a Life Course Perspective", Gender Issues, Vol.19, NO.3.
- **Randall, C. js. Chafetz. RL. Blumberg. S. Coltrane & JH. Turner** (1993). "Toward an Integrated Theory of Gender Stratification Sociological Perspectives", Sage, Vol. 36.
- **Sen, Amartya.** (1999). *Development as Freedom*, New York: Knopf, and Oxford: Oxford University Press, pp 124-130.
- The Global Gender Gap Report 2015
- **Tuner, Jonathan.H** (1986).*The Structure of Sociological Theory*. New York: the Dorsey Press, 4th Edition.
- **Tuner, Jonathan.H** (1998).The Structure of Sociological Theory.London: Wadsworth.
- United Nations Development Programme. Human Development Report 2015.
- World Economic Forum (2015). The Global Gender Gap Report. Geneva, Switzerland.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]